

متن پرسش

سلام استاد عزیز: دو سوال داشتم از خدمتتان: یک: به تفسیر آیه «الرجال قوامون علی انساء» در تفسیر المیزان رسیدم. استاد، حضرت علامه در تبیین بسیاری از آیاتی که درباره اختلاف بین زن و مرد یا همان فضلی که خداوند به مردها نسبت به زنها داده است که همین باعث تفاوت احکام شریعت بین زن و مرد مثلا در خصوص قانون ارث و یا قیومیت مردان نسبت به زنان در حکومت و قضاوت و سرپرستی زنان شده است، بر روی عقل بیشتر مردان و کمی عقل خانمها تاکید بسیاری دارند مثلا در این قسمت می فرمایند: «هیچ دانشمندی از چنین شریعتی و با مطالعه همین مقدار از احکام آن جز این توقع ندارد که در مسائل کلی و جهات عمومی و اجتماعی زمام امر را به کسانی بسپارد که داشتن عقل بیشتر امتیاز آنان است، چون تدبیر امور اجتماعی از قبیل حکومت و قضا و جنگ نیازمند به عقل نیرومندتر است، و کسانی را که امتیازشان داشتن عواطف تند و تیزتر و امیال نفسانی بیشتر است، از تصدی آن امور محروم سازد، و نیز معلوم است که طایفه مردان به داشتن عقل نیرومندتر و ضعف عواطف، ممتاز از زنانند، و زنان به داشتن عقل کمتر و عواطف بیشتر ممتاز از مردانند.» در صورتی که شما در تبیین سخن امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه در خصوص کمی عقل خانمها به استناد سخن آیت الله جوادی آملی فرمودید مخاطب در این خطبه عایشه است. بالاخره آیا واقعا چنین برتری عقلی برای آقایان نسبت به خانمها از نظر اسلام وجود دارد یا نه؟ اگر ندارد پس چرا جناب علامه اینقدر با قاطعیت از این برتری سخن می گویند و یکی از علل عمده تفاوت احکام شریعت بین زن و مرد را کمی عقل خانمها نسبت به آقایان می دانند. این عقل در اینجا کدام عقل است؟ عقل فلسفی و استدلالی یا عقل معاش و مدیریت؟ یا اینکه اصلا مشکل در عقل نیست و عقل هر دو یک اندازه است بلکه ازدیاد عواطف و احساسات در خانمها باعث می شود عقل نتواند مدیریت لازم خود را در تصمیم گیری داشته باشد. چون این سوال خیلی از خانمهاست. سوال دوم اینکه استاد وقتی به خود تفسیر مراجعه می کنم و از طرفی صوت سخنرانی های شما را در تفسیر این سوره گوش می دهم می بینم که به بعضی از آیات اصلا ورود نمی کنید و به مباحث حضرت علامه در خصوص آنها نمی پردازید. مثلا همین آیات. یا آیات مربوط به متعه و یا چند همسری در اسلام. آیا عبور از این قسمتها دلیل خاصی دارد؟ با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- به نظر بنده نتیجهی آخری که گرفته‌اید، نتیجهی درستی است که در روایات مذکور و یا نظرات امثال علامه، بحث در کمی عقل زنان نیست، بلکه بحث در عواطف بالای

آن‌ها است که برای یک مدیریت سخت و جدّی کارساز نیست ۲- عنایت داشته باشید علامه در بعضی موارد در شرایط دفاع از اتهاماتی است که به اسلام می‌زدند و امروز شبهات و اتهامات دیگری در میان است که باید به آن پرداخت و ممکن هم هست بنده بعضاً از موضوعی غفلت کرده باشم. موفق باشید